

**تقویم جدید آموزشی
سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰
دانشگاه آزاد اسلامی اعلام شد**

**احتمال برگزاری سه آزمون
به تعویق افتاده پزشکی
در اواخر آذرماه**

**کرونا روند انعقاد قراردادهای
پژوهشی دانشگاهها
را کند کرد**

**ضرورت راه اندازی
رشته سیاستگذاری اجتماعی
در دانشگاهها**

دانشجویان در اقصی نقاط کشور خشم و انزجار خود از ترور دانشمند هسته‌ای را فریاد زدند

مطالبه یک کلام:

اخراج بازرسان آژانس



«فرهنگستان» وضعیت کسب و کارهای اینترنتی را بررسی می‌کند

رشد ۳۰ درصدی تجارت الکترونیک در دوران کرونا



«فرهنگستان» نقش فناوری‌های جدید در مقابله دانشگاهها با بحران کرونا در دنیا را بررسی می‌کند

کرونا دنیا را به تکنولوژی وابسته‌تر کرد



چه خبر از دانشگاه

تقویم جدید آموزشی سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ دانشگاه آزاد اسلامی اعلام شد

شده صورت پذیرد. در این دستورالعمل تأکید شده است: «با عنایت به باز زمانی شروع و پایان کلاس‌ها در نیمسال اول برای ورودی‌های قبل از ۹۹، تعداد جلسات کلاس‌ها برای دانشجویان رشته‌های غیرپزشکی ۱۶ هفته (جلسه) و برای دانشجویان گروه علوم پزشکی و دامپزشکی ۱۷ هفته (جلسه) برگزار شود.

ضمناً با توجه به تأخیر در شروع کلاس‌های درسی دانشجویان ورودی جدید در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰، واحدها/مراکز دانشگاهی موظف به تشکیل کلاس‌ها به منظور تکمیل تعداد جلسات (۱۶ هفته و ۱۷ هفته) تا قبل از امتحانات هستند.

در خصوص کلاس‌های مشترک ورودی‌های قبل ۹۹ یا پذیرفته شدگان جدید در نیمسال اول، تقویم آموزشی (پایان کلاس و امتحانات) ورودی ۹۹ ملاک عمل قرار گیرد و براساس آن برنامه‌ریزی و اقدام شود.»

معاونان علوم پزشکی، علوم، مهندسی و کشاورزی و علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد اسلامی دستورالعمل «تقویم جدید آموزشی سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ جهت دانشجویان رشته‌های غیرپزشکی و گروه علوم پزشکی» را ابلاغ کردند.

به گزارش روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی، محسن نضر معاون علوم پزشکی دانشگاه، جواد علمانی معاون علوم، مهندسی و کشاورزی دانشگاه و عبدالحمید خسروپناه معاون علوم انسانی و هنر دانشگاه، دستورالعمل «اصلاحیه تقویم آموزشی سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ جهت دانشجویان رشته‌های غیرپزشکی و گروه علوم پزشکی» را به رؤسای دانشگاه آزاد اسلامی استان‌ها ابلاغ کردند. براساس این دستورالعمل، باید با برنامه‌ریزی دقیق و اطلاع‌رسانی به موقع به اعضای هیأت علمی و دانشجویان ترتیبی اتخاذ شود تا تشکیل کلاس‌های درسی در زمان‌های پیش‌بینی

یادداشت

۲۳ ژانویه روز ملی جزایر سه‌گانه ایرانی

جزایر سه‌گانه؛ حق با ایران است

وزیر امور خارجه ایران (عباس خلیجی) مبنی بر اینکه ایران این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که به ملاحظات امنیتی، هر اقدامی که لازم باشد می‌تواند در همه جزیره (بوموسی) به عمل آورد، شیخ شارجه هم این حق را برای ایران پذیرفت و مقرر شد به محض تخطی شیخ شارجه، کمک مالی ایران به وی قطع شود. عملاً مقامات شارجه به‌طور کامل حاکمیت ایران را بر جزیره بوموسی قبول داشتند. به‌عبارت دیگر، پذیرش دولت انگلیس و حاکم شارجه مبنی بر اینکه حفظ امنیت جزیره برعهده دولت ایران باشد، حاکمیت شارجه را در قسمت مربوط به تعیین و تعدیل می‌کرد و در عین حال قدرت ایران را به‌عنوان کشوری را که حاکمیت مؤثر بر این جزیره دارد، تقویت می‌کرد. اما نکته اینجاست که نتیجه نهایی به دست آمده در نوامبر ۱۹۷۱ هیچ‌گاه براساس خواست دولت ایران نبود و روش عادلانه‌ای نیز از سوی دولت انگلیس در خصوص حل مسأله جزایر تنب و بوموسی صورت نگرفت؛ زیرا خواست دولت ایران اعمال حاکمیت تام و کامل در سه جزیره متعلق به ایران بود و دولت اشغالگر انگلیس باید جزایر اشغالی تنب و بوموسی را به صاحب اصلی اش (ایران) اعاده می‌کرد نه آنکه امتضای سند حقوقی یادداشت تفاهم را به‌عنوان شرط لازم الاجرا به دولت ایران تحمیل کند. ایران نیز با ضعف دستگاه دیپلماسی دولت وقت هم از ادعای تاریخی خود بر مجمع الجزایر بحرین دست برداشت و هم با پذیرش یادداشت تفاهم ۱۹۷۱ امتیازاتی را به حاکم و اگذار کرد و در نتیجه موضوع همانند استخوان لای زخم همواره به سرچشمه آزار ایران در سال‌های گذشته و حال تبدیل شده است. امروزه عده‌ای معتقدند جزیره بوموسی یک سرزمین مورد منازعه و اختلاف است، در پاسخ به این ادعا باید گفت زمانی که یادداشت تفاهمی در خصوص سرزمینی وجود دارد دیگر کاربرد عبارت سرزمین مورد اختلاف و منازعه درست نیست. شاید بتوان گفت سوءتفاهم در مورد تفسیر و برداشت از نص و روح یادداشت تفاهم است که راه رسیدن به یک درک مشترک نشستن بر سر میز مذاکره و شنیدن نظر و استدلال طرف دیگر است. آنچه امروز می‌توان استناد کرد این است که در خصوص بوموسی یادداشت ۱۹۷۱ وجود دارد که با وجود همه ملاحظات پیرامون آن دارای اعتبار قانونی است و مبنای مراجعه ایران و شارجه است. اگرچه تاریخ دقیق یادداشت تفاهم فی مابین ایران و انگلیس ۱۷ نوامبر ۱۹۷۱ میلادی برابر با ۲۶ آبان ۱۳۵۰ شمسی است، اما در ساعت ۱۵ دقیقه به‌مدت ۳۰ دقیقه مورخ ۳۰ نوامبر ۱۹۷۱ میلادی برابر با ۲۹ آذر ۱۳۵۰ شمسی نیروهای ایرانی به‌طور رسمی در جزایر مستقر شدند و رأس ساعت ۸ صبح در هر سه جزیره پرچم ایران با شلیک ۲۱ گلوله توپ برافراشته و حاکمیت ایران بر جزایر پس از ۶۷ سال اشغالگری انگلیس به‌مأم میهن ایران عزیز بازگشت.

خودارانه کند، درست یک‌سال بعد یعنی سال ۱۹۰۴ میلادی بنا بر اصل دیگر حقوق بین الملل، «اصل سرزمین بلاصاحب» حضور خود را در جزایر موصوف توجیه کرد، با طرح این اصل حقوقی علاوه بر اینکه سناریوی قبلی خود را زیر سؤال برد، ثابت شد جزایر سه‌گانه نه تنها بی‌صاحب نبودند بلکه کارگزارانی از سوی دولت ایران در آن جزایر مستقر بودند و به دولت مرکزی خراج می‌پرداختند. باشکست پی‌درپی سناریوهای مطرح شده حقوقی انگلیس طی سال‌های ۱۹۰۴ تا ۱۹۳۸ میلادی این کشور برای آخرین بار در سال ۱۹۳۹ میلادی با استناد به اصل «مرور زمان» در مراجع بین‌المللی حضور استعماری خود را در جزایر سه‌گانه توجیه می‌کرد. اصل مرور زمان در حقوق بین‌الملل به این شرح تعریف شده است: «اگر قلمرو مورد ادعای یک دولت برای مدت طولانی در اشغال دولت دیگر باشد بدون اینکه با مخالفت جدی دولت اول روبه‌رو شود، حاکمیت آن قلمرو یا سرزمین به کشور اشغالگر داده خواهد شد.» (شهیدی، ۱۸، ۱۳۷۷۲). این درحالی بود که از بدو ورود کشور انگلیس به جزایر سه‌گانه، دولت ایران مراتب اعتراض خود را یکی پس از دیگری به سفارتخانه انگلیس در ایران اعلام داشت که تمامی اسناد و مدارک آن در مراکز مهم سیاسی-علمی ایران موجود و نگهداری می‌شود. پس از جنگ جهانی دوم در پی استقلال بسیاری از کشورها از جمله هندوستان، آنچه برای انگلیس در این منطقه باقی ماند چیزی جز هزینه‌های فراوان نیروهای نظامی این کشور نبود. طی این جریان هارولد ویلسون نخست‌وزیر وقت دولت کارگری انگلیس در ۱۶ ژانویه ۱۹۶۸ میلادی به‌طور رسمی در مجلس عوام این کشور اعلام کرد: «ماتصمیم داریم تا پایان سال ۱۹۷۱ عقب‌نشینی نیروهای خود را از خاور دور تسریع ببخشیم و قصد داریم در همان تاریخ قوای خود را از خلیج فارس خارج کنیم.» (طبرساز، ۴۰، ۱۳۹۰). سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۱ میلادی مذاکرات طولانی بر سر موضوع جزایر سه‌گانه بین ایران و انگلیس برقرار بود، دو کشور در نوامبر ۱۹۷۱ به توافق دست یافتند که نوعی «مصالحه» در قبال جزایر تنب و بوموسی محسوب می‌شد. حاصل مذاکرات دو کشور به این صورت نهایی شد: اول اینکه حاکمیت کامل ایران بر دو جزیره تنب و بزرگ و کوچک مورد تأیید دولت انگلیس قرار گرفت. دوم اینکه دربار جزیره بوموسی به‌طور مجزا طی یک یادداشت تفاهمی تصمیم‌گیری می‌شود. یادداشت تفاهم موصوف به تاریخ ۱۷ نوامبر ۱۹۷۱ میلادی برابر با ۲۶ آبان ۱۳۵۰ شمسی امضا و مبادله شد که دارای ۱۰ ضمیمه تکمیلی در موضوعات امنیت، نفت و اسناد کمک مالی ایران به حاکم شارجه است. در متن یادداشت تفاهم منقده حقوق محدود شیخ شارجه در خصوص داشتن پرچم و پاسگاه پلیس مورد توافق قرار گرفت ضمن آنکه همه ضمایم آن از جمله نامه دوم

مهدی قربانی
پژوهشگر حوزه خلیج فارس و جزایر سه‌گانه

۴۹ سال پیش (۹ آذر ۱۳۵۰ شمسی) درست در چنین روزی به دنبال ورود نیروی دریایی ارتش ایران به جزایر بوموسی، تنب و بزرگ و تنب کوچک، این جزایر پس از چند دهه اشغالگری نافرجام انگلیس بار دیگر تحت حاکمیت ایران قرار گرفت. کشور انگلیس در ادامه روند سیاست‌های امپریالیستی و استعماری جهت حفظ مهم‌ترین مستعمره خود یعنی هندوستان و رقابت استعماری با روسیه از سال ۱۹۰۳ میلادی به‌صورت مستقیم منطقه خلیج فارس و برخی جزایر مهم و استراتژیک آن را مورد اشغال قرار داد. اگرچه حضور نیروهای انگلیسی در مناطق مختلف جنوب کشور با اهداف استعماری و تجاری به‌دوران ماقبل صفویه برمی‌گردد اما در قرن ۱۹ میلادی این کشور با رویکرد سیاسی-امنیتی وارد این منطقه شد و در سال ۱۹۰۳ میلادی توانست با توسل به قرارداد تحت‌الحمایگی ۱۸۲۸ با شیوخ تحت‌الحمایه شارجه و وراس الخیمه که به‌فواسم مشهور بودند به‌صورت علنی جزایر بوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک را اشغال کند. انگلیس ناچاراً برای سرپوش گذاشتن به این عمل وقیحانه متوسل به برخی اصول و قواعد حقوق بین‌الملل شد. «اصل مالکیت مشاع، سرزمین بلاصاحب و مرور زمان» سه اصل حقوقی بود که این کشور طی ۶۷ سال اشغالگری خود در این جزایر به آنها استناد کرد. دولت ایران به دلیل ضعف سیاسی داخلی و قضایی مربوط به انقلاب مشروطه از یک سو و سرگرم بودن نیروهای نظامی و سیاسی به دلیل نفوذ بیش از پیش روسیه در شمال کشور از سوی دیگر، اداره جنوب کشور به‌ویژه چند جزیره مهم از جمله جزایر بوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک را به‌طایفه قواسم که کارگزار و خراج‌پرداز به‌دولت مرکزی ایران بودند، واگذار کرد. اما دولت انگلیس بدون اطلاعات دقیق و موثق و عدم آگاهی از این موضوع که قواسم بندر لنگه و قواسم بندر شارجه دو طایفه جدا از هم هستند و هیچ‌گونه سختی با یکدیگر ندارند در سال ۱۹۰۳ میلادی جزایر مذکور را با توسل به اصل «مالکیت مشاع» در حقوق بین‌الملل و با ادعای اینکه جزایر اشغال شده ملک مشاع قواسم بندر لنگه و قواسم بندر شارجه هستند این عمل خود را توجیه کردند، این امر بلافاصله با اعتراض دولت وقت ایران روبه‌رو شد و با ارائه ادله و اسناد متقن و موثق خط بطلانی بر این ادعای مطرح‌شده از سوی دولت انگلیس کشید و ثابت شد قواسم بندر لنگه کارگزار و تبعه دولت ایران بودند و تنها به‌عنوان مقام ایرانی در آنجا حکومت می‌کردند و به دولت ایران خراج می‌پرداختند، زمانی که دولت انگلیس نتوانست دلایل موثقی در مورد این عمل

نیمسال	ثبت نام و انتخاب واحد	شروع کلاس	حذف و اضافه	پایان کلاس	برگزاری امتحانات
ورودی قبل از ۹۹	۹۹/۶/۱ ۹۹/۶/۲۸	۹۹/۶/۲۹	۹۹/۷/۱۲ لغایت	۹۹/۱۱/۲	۹۹/۱۱/۴ لغایت
اول			۹۹/۷/۱۶	۹۹/۱۱/۱۶	۹۹/۱۱/۱۶
ورودی ۹۹	۹۹/۸/۸ ۹۹/۸/۱۵	۹۹/۸/۱۷	۹۹/۸/۲۴ لغایت	۹۹/۱۱/۱۶	۹۹/۱۱/۱۸ لغایت
ورودی قبل از ۹۹	۹۹/۱۱/۱۱ ۹۹/۱۱/۲۳		غیرپزشکی: ۱۴۰۰/۴/۳	۹۹/۱۱/۲۹	۹۹/۱۱/۲۹
دوم		۹۹/۱۲/۲	۹۹/۱۲/۳ لغایت	۱۴۰۰/۴/۱۲ لغایت	۱۴۰۰/۴/۲۴ لغایت
ورودی ۹۹	۹۹/۱۱/۲۰ ۹۹/۱۱/۳۰		پزشکی: ۱۴۰۰/۴/۱۰		
دوره تابستان	۱۴۰۰/۴/۲۶ لغایت ۱۴۰۰/۴/۳۱	۱۴۰۰/۵/۲		۱۴۰۰/۶/۴ لغایت	۱۴۰۰/۶/۱۱ لغایت